

بررسی اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(ره)، ابن سینا و مطهری

مژگان مهری ده نو^۱

^۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

یکی از مسائل مهم در برنامه های تربیتی، تعیین اهداف تربیتی و توجه به نیازهای انسان که موضوع تربیت است، همواره منبعی مهم برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی بوده است. همان طور که، در فعالیت تربیتی هدف نقش اساسی دارد. کلیه برنامه ها و فعالیت های تعلیم و تربیت در پرتو هدف جهت می یابد. و هر سه علما(دانشمند) نگاهی مشابه به تعلیم و تربیت داشته اند و از منظر دین به تربیت نگاه کرده اند و جنبه اخروی تربیت را در نظر گرفته اند. بنابراین، مهمترین اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره) عبارتند از: مهذب ساختن نفوس و پرورش انسان های مهذب (تربیت اخلاقی و تهذیب نفس، دو رکن اصلی آموزش و پرورش است)، رشد جسمی و رشد عقلانی و رشد معنوی، تربیت اسلامی و اخلاقی و استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. همان طور که، شهید مطهری هدف اصلی و عمده در تعلیم و تربیت اسلامی را هدف انبیاء تلقی می کند که عبارتند از: شناخت خدا و نزدیک شدن به او و دیگری، برقراری عدل و قسط در جامعه بشری؛ یعنی برقرار ساختن توحید عملی و اجتماعی. از دیدگاه شهید مطهری مواردی از جمله؛ خود شناسی، آزادی معنوی، پرورش قوه تفکر و ابتکار، ایجاد روحیه علمی در متعلم و ایجاد حس اعتماد به نفس هدف نهایی در تعلیم و تربیت اند. هدف غایی و نهایی در تعلیم و تربیت اسلامی، رساندن انسان به نهایت کمال وجود و مرتبه خلیفه الهی است. در این مسیر برای تعلیم و تربیت هدف های واسطه ای نیز تعریف شده است که بوعلی سینا در تبیین کارکردها و کارایی نظام تعلیم و تربیت به سه مورد اساسی از جمله: ایمان به خدا، اخلاق نیکو و پسندیده و علم آموزی را به عنوان اهداف میانی و واسطه ای تعلیم و تربیت اشاره می کند و سعادت بشر را در دستیابی به این اهداف می داند.

واژه های کلیدی: تعلیم و تربیت اسلامی، اهداف تربیتی، آموزش و پرورش، امام خمینی(ره)، شهید مطهری، ابن سینا

مقدمه:

تعلیم و تربیت از جمله دغدغه‌های مشترک جوامع انسانی است. کشورها و ملت‌ها براساس طرز فکر و مکتب فلسفی و سیاسی خود، مقاصد تربیتی خود را تعریف می‌کنند. و این در سبک و روش به تفاوت در اهداف تربیتی می‌انجامد. برای شروع هر کاری باید مقاصد و اهداف آن عمل معین و روشن باشد تا برای تحقق آرمان‌های مورد نظر از بهترین روش‌ها و وسایل استفاده گردد.

آموزش و پرورش نیز چنین است برای این که معلم و مربی تعلیم و تربیت را آغاز نمایند در ابتدا بایسته است هدف از تعلیم و تربیت برای آنان مشخص باشد و بدانند که چگونه انسانها را تربیت کنند و در این صورت چه تغییراتی باید حاصل گردد تا با طرح‌ریزی و روش به اجرا پردازند.

در حقیقت، آشنایی با اهداف و روش های تعلیم و تربیت در اسلام از ضرورت های غیر قابل انکار برای هدایت صحیح افراد جامعه به سوی مسیر سعادت است؛ چرا که بدون شناخت کافی از اهداف و روش های تعلیم و تربیت اسلامی، امکان انحراف افراد از مسیر پر پیچ و خم زندگی دنیوی برای رسیدن به آخرت وجود دارد. به همین دلیل خداوند متعال با فرستادن انبیای الهی، حجت را بر مردم تمام و مسیر هدایت را مشخص کرده است. تعیین اهداف و روش های لازم برای رسیدن به آن از اتلاف وقت، اضطراب و سردرگمی افراد در انتخاب مقصد و مسیر زندگی می کاهد و فرد با آرامش و اطمینان به کمال نهایی خود یعنی قرب الهی نزدیک می شود.

بالاخره اینکه؛ در این تحقیق، ابتدا به مفهوم شناسی تعلیم و تربیت و سپس به دیدگاه حضرت امام (ره) و شهید مطهری و ابن سینا درباره اهداف تعلیم و تربیت می پردازیم.

الف) مفهوم شناسی

۱- **تعلیم** عبارت است از یاد دادن، از نظر تعلیم، متعلم فقط فراگیرنده است. مغز متعلم به منزله انباری است یک سلسله معلومات در آن ریخته می شود، ولی در آموزش کافی نیست که هدف این باشد. (محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴)

۲- **تربیت** عبارت است از پرورش دادن یعنی به فعلیت در آوردن استعداد های درونی که در یک شیء هست، و لذا، تربیت فقط در مورد جاندارها صادق است، یعنی گیاه و حیوان و انسان. (محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵) و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم مجازا به کار برده ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ایم؛ یعنی یک سنگ و یا یک فلز را نمی شود پرورش داد آن طور که یک گیاه یا یک حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. این پرورش دادن ها به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجود ها است که فقط در مورد موجود های زنده صادق است. و از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی شود آن را پرورش داد. همچنین، ترس و ارعاب و تهدید، در انسانها عامل تربیت نیست (تربیت به همان معنی پرورش)؛ یعنی استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارعاب و تهدید نمی شود پرورش داد

همان طور که یک غنچه گل را نمی شود به زور به صورت گل در آورد ، از نظر تربیت انسانها هم ترس و ارباب عامل پرورش نیست. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

۳- ماهیت تعلیم و تربیت عبارت است از: برنامه ریزی و فعالیت جامعه و فرد، در جهت سلامت خانواده، رشد کودک و تدبیر شؤون اجتماعی برای وصول انسان به سعادت در دنیا و پس از مرگ. (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۲۸)

۴- هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه ، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد؛ بنابراین هدف های تربیتی دارای سه کارکرد هستند: رهبری فعالیت های تربیتی ، ایجاد انگیزه در فرد، ارائه معیاری برای ارزیابی فعالیت های تربیتی. ویژگی مشترک تمام اهداف تربیتی (اهداف غایی، کلی، جزئی و رفتاری) آن است که این اهداف نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی اند. (اعرافی ، ۱۳۸۵، ص ۵).

۵- خصوصیات اهداف در تعلیم و تربیت:

با توجه به تعریف ارائه شده از هدف، مهمترین خصوصیات آن عبارتند از:

الف) داشتن اختیار: از آنجا که افعال اختیاری با آگاهی و اراده انجام می گیرند نوعی پیش بینی و انتخاب در تمام آن ها وجود دارد؛ یعنی ماهیت هدف، مستلزم دو جزء آگاهی و اراده است. پس هدف تنها در حوزه افعال اختیاری ای که با علم و اراده صورت می پذیرند معنا دارد و بیرون از این قلمرو چون افعال، آگاهانه و مسبوق به اراده نیستند، بی هدفند.

ب) انگیزش: چون نیل به اهداف، تأمین کننده نیاز روانی و دیگر نیازهای فرد است، وی با میل و رغبت به سوی هدف حرکت می کند. پس یکی از ویژگی های مهم هدف، ایجاد انگیزه در فرد است.

ج) انتخاب مسیر: بی شک، از هر مسیر و با هر برنامه ای نمی توان به هدف رسید و برای رسیدن به هدف، برنامه ریزی و ترسیم مسیر ضرورت دارد. بنابراین یکی از کارکردهای هدف، مدیریت، برنامه ریزی و تعیین مسیر است. (اعرافی ، ۱۳۸۵، ص ۵)

۶- مبانی تعیین اهداف تعلیم و تربیت :

یکی از مسائل مهم در برنامه های تربیتی، تعیین اهداف تربیتی است. توجه به نیازهای انسان که موضوع تربیت است، همواره منبعی مهم برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی بوده است. منابعی (مبانی) که در شناخت این نیازها مؤثرند سه دسته اند: علم، فلسفه و دین.

در این قسمت به این سه مبانی تعلیم و تربیت می پردازیم:

الف) مبانی علمی

علم با توجه به نوع بینش و نگرش خاص خود ، با مرزهای مادی، محصور شده است ؛ حال آن که برای تعیین اهداف غایی تربیتی لازم است از این محور ها با تمسک به دین و فلسفه بهره گرفته شود. بنابراین، تأمین نیازهای اولیه به وسیله یافته های علمی ، شرط ارتقا به مراتب بالاتر و رفع نیازهای مهم تر به کمک فلسفه و دین است و بدون استفاده از دستاوردهای علمی زمینه های لازم برای دستیابی به اهداف ناظر بر نیازهای فلسفی و دینی فراهم نمی شود. علومی که به طور مستقیم در یافتن

اهداف تربیتی مورد استفاده قرار می گیرند، علومی هستند که دربارهٔ نیازهای جسمی و روانی انسان بحث می کنند و در صدد تبیین مکانیسم وجودی انسان با توجه به این دو جنبه اند. از این رو شاخه های مختلف روانشناسی و نیز سایر علوم اجتماعی نظیر جامعه شناسی (شامل آسیب شناسی اجتماعی ، جامعه شناسی آموزش و پرورش و غیره) می توانند به طور مستقیم در تعیین اهداف تربیتی مؤثر واقع شوند.

(ب) مبانی فلسفی

روش فلسفی، شیوه ای است عقلی و فیلسوفان همواره با مطالعه انتقادی و دقیق می کوشند تا عقاید آدمیان را درباره کل جهان و از جمله انسان، ارزشیابی کنند و با ارائه چهارچوبی مشخص دربارهٔ این امور، افراد را در درک صحیح و انسان و تنظیم اعمال و رفتارشان یاری دهند.

بنابراین، فلاسفه ، اساسی ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده اند. آنان با ارائه نظام مشخصی که برگرفته از نحوه تفکرشان نسبت به جهان، انسان، شناخت و غیره بوده است، درصدد تبیین آرای تربیتی برآمده اند. در واقع، تمام کسانی که به نحوی در تعیین مکاتب و اهداف تربیتی سهمیم بوده اند، یا خود فیلسوف بوده اند و یا از فلسفهٔ حاکم بر فرهنگ زمان خود پیروی می کرده اند و به نحوی در آرای و اهداف تربیتی، تحت تأثیر نوع نگرش فلسفی خود یا دیگران بوده اند. نقش فلاسفه در تدوین اهداف و ارائه آرای تربیتی، بر روند تربیت اثر گذاشته است؛ به گونه ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی ناچار به پذیرش برخی از بنیان های فلسفی هستیم. (حسینعلی پور، ۱۳۸۸، ص ۳۸)

خلاصه اینکه؛ از این رو می توان مبانی فلسفی تعیین اهداف تربیتی را در این قالب های چهار گانه خلاصه کرد: الف) معرفت شناسی ب) هستی شناسی ج) انسان شناسی د) ارزش شناسی .

(ج) مبانی دینی

وظیفه دین در تعیین اهداف تعلیم و تربیت ، به نقش آن در زندگی انسان بر می گردد. مسلمانان و جامعه ای که با گرایش به یک آیین و مذهب خاص، مسیر زندگی خود را تعیین می کند، نمی تواند در انتخاب اهداف غایی تربیتی، خود را از فرمان ها و باید و نباید های دینی بی نیاز ببیند. در حقیقت، تربیت دینی، نشان دهند، راه و روشی است که در انتها، به هدف زندگی منجر می شود و هر دین و مذهبی این هدف را به نوعی متفاوت از دیگری ترسیم می کند. (اعرافی، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

۷- اهداف تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

در فعالیت تربیتی ، هدف نقش اساسی دارد . کلیه برنامه ها و فعالیت های تعلیم و تربیت در پرتو هدف جهت می یابد . و در یک نظام تربیتی، نوع هدف به وسیله نوع نگرش به انسان تعیین می شود . علت تفاوت هدف های تعلیم و تربیت ، تفاوت در انسان شناسی مکاتب مختلف است. در حقیقت، در اندیشه تربیتی، هدف اصلی و غایی تربیت انسان است. با این که تربیت اجتماعی و حرفه ای اهمیت ویژه ای دارند و برای زندگی اجتماعی ضروری هستند، ولی جهت گیری آن ها باید بر اساس هدف غایی – که تربیت انسان الهی است- تعیین شود. (ملکی ، ۱۳۷۹، ص ۱۱-۱۰).

در این قسمت به مهمترین اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره) می پردازیم.

الف) مذهب ساختن نفوس و پرورش انسان های مذهب

در نظام تربیتی حضرت امام (ره) مذهب ساختن نفوس و پرورش انسان های مذهب یکی از مهمترین اهداف تعلیم و تربیت است. ایشان تمام اختلافاتی که در بین بشر است را ناشی از این می دانند که افراد تزکیه نشده اند: همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده و غایت بعثت است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب، و اگر تزکیه بشوند، طغیان پیش نمی آید. کسی که تزکیه کرد خود را، هیچ گاه خودش را مستغنی نمی داند. و ان الا انسان لیطغی، آن راه استغنی؛ وقتی که خودش را می بیند و برای خودش مقام قائل است و برای خودش عظمت قائل است، این خود بینی اسباب طغیان است. (حسینعلی پور، ۱۳۸۸، ص ۵۱)

اختلافاتی که بین همه بشر هست، اختلافاتی که سر دنیا بین همه بشر هست، این اختلافات ریشه اش این طغیانی است که در نفس هست و این گرفتاری است که انسان دارد؛ گرفتاری به خود دارد و به هواهای نفسانیه.

اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود، این اختلافات برداشته می شود. اگر تمام انبیای عظام جمع بشوند در یک شهری و در یک کشوری، هیچ گاه باهم اختلاف نمی کنند؛ برای اینکه تزکیه شده اند، علم و حکمت را بعد از تزکیه در نفس دارند. گرفتاری ما برای این است که تزکیه نشده ایم، تربیت نشدیم. عالم شدند، تربیت نشدند، دانشمند شده اند، تفکراتشان عمیق است، لکن تربیت نشده اند. و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است بر بشر وارد می شود، آن خطر مغول بالاتر است. غایت بعثت این تزکیه است، غایت آمدن انبیاء این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم. اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاقت، در صحنه سیاست، در هر صحنه ای که وارد بشوند، اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطان باطن رها نشدند، خطر این ها بر بشر، خطرهای بزرگ است. و باید کسانی که می خواهند در عالم تربیت کنند دیگران را، قبلا خودشان تزکیه شده باشند، و کسانی که در بشر می خواهند زمامدای کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند، باید تزکیه کنند خودشان را، و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۹۱-۳۹۰).

البته، با توجه به سخنان امام، ایشان تربیت و تزکیه را مقدم بر تعلیم و تعلیم را نیز مقدمه تزکیه می دانند.

حضرت امام بر این عقیده اند، ملتی که تهذیب نفس می کند و تربیت اخلاقی شود، ملتی نمونه خواهد بود. ایشان در این زمینه می فرمایند:

تربیت اخلاقی و تهذیب نفس، دو رکن اصلی آموزش و پرورش است و اسلام در هر دو رکن سفارش اکید فرموده است. پرورش به معنای اینکه در هر جایی که علما مشغول تدریس هستند، علمای دانشگاه و علمای حوزه های علمی قدیمی و استادها در هر جا هستند با این ارکان مواجه اند: رکن آموزندگی و رکن پرورش و تربیت اخلاقی و تهذیب نفس. ما اگر فرض کنیم که یک ملت آموزش و پرورش در آن نفوذ کرد و همه ملت آموزش یافتند به اندازه ای که احتیاجات ملت است و پرورش یافتند و تهذیب نفس کردند و تربیت اخلاقی شدند، ملتی که یک همچو توفیقی را پیدا بکنند، یک ملت نمونه ای خواهد بود. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۴۹۵).

حضرت امام در همین خصوص، خطاب به معلمین می فرمایند:

همه معلمین در این فکر باشند که خودشان را تهذیب کنند، باید خود را مهذب کنند تا حرفشان در دیگر اثر کند، معلمین و همه کسانی که در شغل معلمی به سر می برند باید بدانند که شغلشان بسیار مهم است. معلمین باید احساس کنند که پیش خدا مسئولند، اگر بچه ها بد تربیت شوند اینها هم مسئولند، اگر در این مورد من و شما هم سکوت کنیم مسئولیم. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۹۰).

ب) رشد جسمی، رشد عقلانی و رشد معنوی

حضرت امام (ره) به رشد همه جانبه انسان اعتقاد دارند و می فرمایند:

اسلام می خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد. خطّ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد، خطّ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد، خطّ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد. خطّ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد، خطّ الهیت دارد، رشد الهیت به او بدهد؛ همه خطوطی که انسان دارد و به طور نقص است، در حقیقت، ادیان آمده اند، این میوه ناقص را کاملش کنند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۹).

ایشان در زمینه پرورش جسمی و روحی چنین بیان می کنند:

عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می کند و سالم می کند، عقل را هم سالم می کند و اگر عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۶۱).

ج) تربیت اسلامی و اخلاقی:

حضرت امام خمینی (ره) خطاب به معلمین به این شکل بیان می کند:

و باید توجه داشته باشید که این بچه ها ئی که پیش شما تربیت می شوند تربیت دینی بشوند، تربیت اخلاقی بشوند؛ اگر یک بچه متدین را شما تحویل جامعه بدهید یک وقت می بینید همین یک بچه متدین متعهد، یک جامعه را اصلاح می کنند. یک فرد ممکن است جامعه را اصلاح نکنند. اگر خدای نخواست این بچه از دامن شما درست از کار در نیاید، از تحت تربیت شما که معلم هستید درست از کار نیاید، ممکن است یک بچه یک جامعه را فاسد بکند و شما مسئول باشید. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۹۲).

و دوباره و در جایی دیگر خطاب به معلمین می فرمایند:

همچنین، در زمینه تربیت اخلاقی می فرمایند:

اگر شما بخواهید جوانان را تعلیم کنید و کاری به این نداشته باشید که در پهلوی تعلیم و تربیت انسانی، تربیت اخلاقی باشد، اینها با همان علم بدون تربیت، مراحل را طی می کنند. و علم بدون تربیت آنها را یا اکثر آن ها را رو به فساد می کشد. انسان از اول اینطور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده: کل مولود یولد علی الفطره که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیت هاست که یا همین

فطرت را شکوفا می کنند، و یا جلوی شکوفائی فطرت را می گیرند. این تربیت هاست که یک کشور انسانی باشد، کشور مطلوب اسلام باشد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۳۳).

(د) استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی:

بی شک یکی از مهم ترین اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه حضرت امام استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افراد جامعه است.

ایشان در این مورد چنین بیان می کند:

فرهنگ باید متحول بشود. فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. باید معمولی که در این فرهنگ انتخاب می شوند، اشخاص صحیح، سالم باشند. کسانی که جوان های ما را تربیت می کنند باید به شیوه صحیح باشد نه به شیوه غربی. باید هیچ توجه نداشته باشید که در غرب چه می گذرد. در غرب خیلی بد می گذرد شما گمان نکنید که در غرب خیلی خبر هست خودشان می گویند «در غرب خبری نیست» خبرها هست لکن خبرهای رشد فکری و رشد انسانی کم است. شما باید مستقل باشید و رشد انسانی پیدا کنید. بچه های ما را، جوان های ما را رشد انسانی بدهید. دولت باید درست توجه بکند که رؤسای را که انتخاب می کند برای دانشگاهها، برای مدارس، معلمینی را انتخاب می کنند آن ها برای تربیت اطفال، اینها باید همه متحول بشود از حال سابق، و کسانی که سابق در خدمت اشخاص بیگانه بودند یا در خدمت طاغوت بودند، حالا نیایند و بچه های ما را باز به عقب برانند. این هم یک مطلبی است که در فرهنگ بسیار مهم است. و بالاخره فرهنگ باید متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل، و یک فرهنگ انسانی (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۹۶).

فرهنگ در کنار آموزش، باید پرورش داشته باشد. همان اسم نباشد که "آموزش و پرورش". واقعیت باشد، هم تحصیل باشد به مدارج عالی و هم همراه تحصیل، تربیت باشد. جوان های ما تربیت بشوند به یک تربیت های انسانی، یک تربیت اسلامی، که همان تربیت های انسانی است. اگر جوان های ما تربیت انسانی بشوند. این ها، دیگر خیانتکار به کشور خودشان نمی شوند؛ این ها دیگر طراح نیستند برای اینکه منافع کشور ما را به دیگران بدهند.

عمده این است که فرهنگ، یک فرهنگ متحول بشود؛ یک فرهنگی که از آن غرب زدگی بیرون بیاید همه چیزمان باید این طور بشود. استقلال فکری، استقلال باطنی داشته باشد. علاوه بر اینکه استقلال باید داشته باشد و کسی در فرهنگ دخالت نباید بکند، باید استقلال فکری داشته باشد؛ خودش مستقل و آزاد و روی پای خودش باشد. این طور نباشد که توجهش به این باشد که غرب چه می کند، ما هم دنبال او؛ آن ها چه می گویند، ما هم دنبال او. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۷۵).

۸- هدف تربیت از نظر مطهری

در رابطه با اینکه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی هدف تعلیم و تربیت فرد است یا اجتماع، شهید مطهری می گوید: از آنجا که اسلام هم اصالت را به فرد داده و هم به اجتماع، و این تجمع افراد است که به اجتماع شکل می دهد و کلیه برنامه های تربیتی اعم از اینکه فرد خودش هدف برنامه ها باشد و یا اجتماع، باید به وسیله افراد اجرا شود. بنابر این هدف در تعلیم و تربیت اسلامی هم فرد است و هم اجتماع و آن دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

بنابراین، در اسلام هم اصالت فرد محفوظ است و هم اصالت اجتماع، یعنی فرد خودش خالی از اصالت نیست. بالاخره اینکه، طرحی و برنامه ای که برای ساختن فرد وجود دارد اعم از اینکه فرد را باید ساخت برای طرح هایی که برای اجتماع و جامعه است و این طرح و برنامه را به عنوان مقدمه ساختن اجتماع در نظر بگیریم. یا فرد را باید ساخت از این نظر که هدف، ساختن افراد است و یا از یک نظر جمعی فرد باید ساخته شود. هم از آن جهت که باید مقدمه ای و ابزاری برای ساختن اجتماع باشد و هم از نظر اینکه خودش هدف است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۶)

همچنین، شهید مطهری در این زمینه می گوید: هدف اصلی و عمده در تعلیم و تربیت اسلامی می تواند همان هدف انبیاء تلقی گردد که عبارتند از: شناخت خدا و نزدیک شدن به او و دیگری، برقراری عدل و قسط در جامعه بشری؛ یعنی برقرار ساختن توحید عملی و اجتماعی. (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۶۰)

بالاخره اینکه، از دیدگاه شهید مطهری مواردی از جمله؛ خود شناسی، آزادی معنوی، پرورش قوه تفکر و ابتکار، ایجاد روحیه علمی در متعلم و ایجاد حس اعتماد به نفس در این قسمت به توضیح مختصری می پردازیم.

الف) خودشناسی

از آنجا که هدف عمده و اساسی تربیت اسلامی، شناخت خدا و رسیدن به اوست، خود شناسی به عنوان هدفی جزئی تر که مقدمه رسیدن به هدف اصلی باشد می تواند تلقی گردد، در رابطه با خودشناسی شهید مطهری معتقد است که اسلام عنایت ویژه ای به این امر مبذول داشته است. و تأکید قرآن بر این است تا انسان ضمن تشخیص موقعیت خودش در جهان هستی خود را به مقام والایی که شایسته آن است برساند.

به عقیده شهید مطهری تلاش قرآن بر این است که انسان خود را کشف نماید، و این خود همان چیزی است که روح الهی نامیده می شود و با شناختن آن خود است که احساس شرافت و کرامت و تعالی در انسان پدید می آید و انسان خویش را از تن دادن به پستی ها برتر می شمارد و به قداست خویش پی می برد و مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می کند. خلاصه اینکه؛ خودشناسی به معنای این است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند خاکی محض نیست، پرتوی از روح الهی است، بداند که در معرفت می تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد، بداند که او آزاد و مختار و مسئول افراد دیگر و مسئول آباد کردن جهان و بهتر کردن جهان است "اوست آنکه شما را از زمین بیافرید و عمران آن را از شما خواست" بداند که او امانتدار الهی است، بداند که بر حسب تصادف برتری نیافته است تا استبداد بورزد و همه چیز را برای شخص خود تصاحب کند و مسئولیت و تکلیفی برای خویش قائل نباشد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۵).

همچنین، شهید مطهری سرلوحه تعلیمات کلیه مذاهب را در خودشناسی معرفی می نماید.

(ب) آزادی معنوی

شهید مطهری می گوید؛ هدف اصلی تربیت اسلامی، مالکیت نفس و تسلط بر خود و رهایی از نفوذ جاذبه میل ها که در نهایت منجر به آزادی معنوی انسان می گردد. این آزادی نتیجه کشمکش و مبارزه خواستها و امیال نفسانی و حیوانی از یک طرف و عقل، اراده و ایمان از طرف دیگر است، که در نهایت جهت رسیدن به آزادی معنوی، این عقل و اراده است که می بایست پیروز گردند. البته با توجه به اینکه در انسان یک سلسله گرایشات معنوی وجود دارد این امکان برای انسان وجود دارد که تا با کمک گرفتن از عقل و اراده بتواند بر خواست ها و امیال نفسانی غلبه نماید و به آزادی معنوی نائل آید.

در حقیقت، انسان آنجا که به عقل و اراده متکی می شود نیروهای خود را جمع و جور می کند و نفوذهای خارجی را قطع می نماید و خویشتن را آزاد می سازد و به صورت جزیره ای مستقل در می آید. انسان به واسطه عقل و اراده است که مالک خویشتن می شود و شخصیتش استحکام می یابد. مالکیت نفس و تسلط بر خود و رهایی از نفوذ جاذبه میل ها هدف اصلی تربیت اسلامی است. غایت و هدف چنین تربیتی آزادی معنوی است. (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۶۲)

(ج) پرورش قوه تفکر و ابتکار متعلم

از جمله اهدافی که شهید مطهری برای تعلیم و تربیت افراد در نظر دارد. مسأله پرورش قوه تفکر و ابتکار متعلم است. وی معتقد است که هدف معلّم می بایست متوجه پرورش قوه تفکر و ابتکارمتعلم باشد و نه انتقال یک سری معلومات و مفاهیم محض به متعلم. وی در این باره می گوید:

جای تردیدی نیست که در آموزش و پرورش هدف باید رشد فکری به متعلم و جامعه باشد، تعلیم دهنده و

مربی هر که هست، باید کوشش کند که به متعلم رشد فکری؛ یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد نه اینکه تمام همّتش این باشد که متعلم دائم بیاموزد، فرا گیرد و حفظ نماید. در این صورت چیزی نخواهد شد. تعقل همان فکر کردن است و در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن به دانش آموز داده شود و او به فکر کردن ترغیب گردد. تا بتواند استنباط کند، اجتهاد بکند، رد فرع بر اصل کند. (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۲، ص ۵۲)

(د) ایجاد روح علمی در متعلم

به اعتقاد شهید مطهری یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت، ایجاد روحیه علمی در متعلم است. به اعتقاد ایشان، بین عالم بودن و روحیه علمی داشتن فرق است، چه بسا افرادی که عالم هستند ولی فاقد روحیه علمی، و چه بسا افرادی که دارای روح علمی اند ولی عالم نیستند. وی عالم واقعی را کسی می داند که علمش توأم باشد با روحیه علمی.

همچنین، به اعتقاد شهید مطهری در تعلیم و تربیت اسلامی باید به متعلم روح علمی داد، یعنی نباید فقط توجه به این باشد که او دانا بشود بلکه همچنین باید کاری کرد که روح حقیقت جویی و عاری از بیماریهایی که انسان را از حالت حقیقت جویی منحرف می کند یعنی تعصب ها، جمودها، غرورها و تکبرها در او پدید آید اینها را باید دور کرد تا متعلم با روح علمی بار بیاید. (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۲، ص ۳)

ه) ایجاد حس اعتماد به نفس

به عقیده شهید مطهری آنچه که امروزه علماء تعلیم و تربیت سخت به دنبال آن هستند و بسیار هم ضرورت دارد، بیدار نمودن روحیه و حس اعتماد به نفس در انسان است. به عقیده وی، معتقد نمودن انسان به اینکه سرنوشت انسان وابسته به علم و فعالیت اوست و انسان این توانایی و قدرت را دارد تا خود سرنوشت خویش را رقم بزند، می تواند عامل تحرک، بیداری و بینایی و توانایی در انسان گردد. (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱)

۹- هدف تربیت از نظر ابن سینا

فلاسفه اسلامی چون بوعلی سینا بر کمال عقلی تأکید داشته اند و هدف تعلیم و تربیت را کمال عقل نظری دانسته اند. بوعلی سینا اصلاح و تهذیب عقل عملی را مقدمه ای برای وصول به سعادت نهایی می شمارد. شیخ الرئیس همانند دیگر حکمای اسلامی در شناخت انسان به تجرد و اصالت روح و بقای آن پس از مرگ، رابطه متقابل جسم و جان، دریافت فیض از عالم قدس، سلسله مراتب هستی و تقسیم بندی قوای انسان معتقد است و کمال خاص انسان را که تعلیم و تربیت بر آن بنا شده است، کمال عقل نظری می داند. فلاسفه مشاء چون بوعلی سینا هدف زندگی انسان را سعادت که نتیجه کمال عقل نظری و تبلور استعدادهای فطری انسان است می دانند. (کاهانی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۵۹)

هدف نهایی تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا، رساندن انسان به سعادت است، وی معتقد است سعادت برگزیده ترین و کامل ترین هدف و نتیجه ای است که انسان به آن می گراید و برای رسیدن به آن تلاش می کند.

بوعلی سینا اعتقاد دارد که بندگی و عبادت، سبب سعادت و خیر برای آدمی است، بوعلی سینا اعتقاد دارد که بندگی و عبادت سبب سعادت و خیر برای آدمی است، بوعلی سینا همچنین دوستی خداوند بر دل ها را منشأ سعادت انسانها می داند بنابراین هدف تعلیم و تربیت از نظر بوعلی سینا رسیدن به سعادت واقعی و قرب در گاه الهی است (ابن سینا، ۱۳۶۷، ص ۷۶)

همچنین، ابن سینا هدف تعلیم و تربیت را رشد همه جانبه افراد (رشد جسمی، فکری و اخلاقی) به همراه کسب آمادگی برای زندگی کردن در جامعه از طریق انتخاب یک حرفه بر اساس استعداد شخص میداند در دیدگاه تربیتی ابن سینا هدف تعلیم و تربیت تنها پرورش جنبه های اخلاقی و یا بدنی نیست، بلکه هدف او تربیت شخصیتی است که از نظر جسمی، فکری و منش کامل باشد.

همان گونه که بیان شد هدف غایی و نهایی در تعلیم و تربیت اسلامی، رساندن انسان به نهایت کمال وجود و مرتبه خلیفه الهی است. در این مسیر برای تعلیم و تربیت هدف های واسطه ای نیز تعریف شده است که بوعلی سینا در تبیین کارکردها و کارایی نظام تعلیم و تربیت به سه مورد اساسی به عنوان اهداف میانی و واسطه ای تعلیم و تربیت اشاره می کند و سعادت بشر را در دستیابی به این اهداف می داند. این سه مورد از دیدگاه بوعلی سینا عبارتند از:

الف) ایمان به خدا

تقویت ایمان به خدا و مبدأ هستی در روح و روان کودک از مهم ترین اهداف تعلیم و تربیت دینی است، حکمای اسلامی بر این باورند که باید تعلیم و تربیت زمینه وصول آدمی به حد نهایی کمال معرفت الهی را فراهم سازد. و اطمینان به وجود خداوند

اعتماد به او و ایمان به حضور مستمر و دایمی او نخستین گام در تعلیم و تربیت دینی است که نه تنها بوعلی سینا بلکه تمامی متفکرین اسلامی در تربیت کودکان به آن تأکید داشته اند. در حقیقت، ابن سینا ایمان به خدا را از مهمترین ارکان و اهداف تعلیم و تربیت می داند.

ب) اخلاق نیکو و پسندیده

دومین هدفی را که بو علی سینا از سیستم تعلیم و تربیت انتظار دارد این است که انسان (متعلم) را به اخلاق نیکو و عادات پسندیده وادارد و رفتارهای مطلوب و آداب ممدوح را به او آموزش دهد.

همچنین، ابن سینا اخلاق را مقدم بر سیاست و مقدمه لازم برای آن می داند، از نظر ابن سینا خود سازی و توجه به نفس در درجه اول اهمیت می باشد که اصلاحات اجتماعی را نیز در پی دارد. از نظر ابن سینا اصلاح جامعه در گرو اصلاح افراد است. پس ابتدا هر کس باید به تهذیب و اصلاح خود بپردازد. سپس اصلاح و تربیت دیگران را در نظر آورد و از آنجا که آدمی مرکب از نفس و جسم مادی است باید اصلاح نفس را بر جسم مقدم دارد؛ چون عقل سیطره یابد دیگر کارها درست گردد. از آنجا که نفس آدمی در مادیات غوطه ور است معایب بیشمار دارد که راه وصول به سعادت را لغزان می کند. بنابراین عاقل باید در معایب نفس خود جستجو کرده، آنها را شناخته، از بین ببرد و برای این کار از دوست خردمند بهره گیرد. (کاهانی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۷۴)

ج) علم آموزی

از موارد مهمی که نظام تعلیم و تربیت را متوجه آن می نماید، آموزش سواد و همچنین علم و ادب است. ابن سینا در این باره می گوید:

زمانی که مفاصل بدن بچه سخت و زبان وی درست گویا و گوشش برای شنیدن و پذیرفتن سخن، آماده و وجودش مستعد فراگرفتن علم و ادب گردید باید به او علم و ادب آموخت. و از طرفی دیگر سواد آموزی هدف اصلی آموزش و پرورش نیست، بلکه وسیله و مقدمه ای است برای علم آموزی. (کاهانی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰)

نتیجه گیری:

از مباحث گفته شده به این نتیجه می رسیم که؛ هر سه دانشمند نگاهی مشابه به تعلیم و تربیت داشته اند و از منظر دین به تربیت نگاه کرده اند و جنبه اخروی تربیت را در نظر گرفته اند.

همان طور که آراء تربیتی حضرت امام (ره) تماماً نشأت گرفته از دید اسلامی است و نشان می دهد که وقتی صحبت از اهداف تعلیم و تربیت می شود ایشان اهداف اسلامی را مطرح می کنند و مهمترین هدف تعلیم و تربیت را در سه چیز می داند از جمله؛ مهذب ساختن نفوس و پرورش انسان های مهذب (تربیت اخلاقی و تهذیب نفس، دو رکن اصلی آموزش و پرورش است)، رشد جسمی و رشد عقلانی و رشد معنوی، تربیت اسلامی و اخلاقی و استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

همان طور که، شهید مطهری مواردی از جمله؛ خود شناسی، آزادی معنوی، پرورش قوه تفکر و ابتکار، ایجاد روحیه علمی در متعلم و ایجاد حس اعتماد به نفس را هدف نهایی در تعلیم و تربیت می داند.

بالاخره اینکه، هدف غایی و نهایی در تعلیم و تربیت اسلامی، رساندن انسان به نهایت کمال وجود و مرتبه خلیفه الهی است. در این مسیر برای تعلیم و تربیت هدف های واسطه ای نیز تعریف شده است که بوعلی سینا در تبیین کارکردها و کارایی نظام تعلیم و تربیت به سه مورد اساسی از جمله: ایمان به خدا، اخلاق نیکو و پسندیده و علم آموزی را به عنوان اهداف میانی و واسطه ای تعلیم و تربیت اشاره می کند و سعادت بشر را در دستیابی به این اهداف می داند.

منابع:

- ۱- ابن سینا، بوعلی، اشارات و تنبیهات، مترجم: حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش
- ۲- اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵ش
- ۳- پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷ش
- ۴- حسینی علی پور، علی، بررسی آراء حضرت امام خمینی (ره) درباره تعلیم و تربیت با تاکید بر تعلیم و تربیت کودک، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، ۱۳۸۸ش
- ۵- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۶- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۷- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۷، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۸- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۸، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۹- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۱۰- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۱۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۱۱- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۱۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۱۲- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۱۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۱۳- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، جلد ۱۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش
- ۱۴- کاهانی مقدم، کاظم، تعلیم و تربیت در اندیشه بوعلی سینا، تهران، انتشارات صبرا، ۱۳۸۷ش
- ۱۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش
- ۱۶- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ش
- ۱۷- مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ش
- ۱۸- مطهری، مرتضی، حق و باطل، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱ش
- ۱۹- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ش
- ۲۰- محمدی، محمد حسن، لغات و اصطلاحات تعلیم و تربیت در آثار شهید مطهری، تهران، حوزه فرهنگ و هنر، ۱۳۷۱ش
- ۲۱- ملکی، حسن، تعلیم و تربیت کودک و نوجوان از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ش